



# جامعه‌شناسی کارل ویت فوگل

ترجمه و اقتباس از: ابراهیم انصاری

(دانشگاه چندیتاپور)  
(دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی)

پروفسور کارل ویت فوگل در مرکز فرماندهی امرای برلین به پست نگهبانی منصوب شد. در همین سال به حزب دمکرات های اجتماعی مستقل گروید. این حزب در آغاز جنگ از حزب دموکرات جدا شده بود و گرایش به طرف بلشویکهای شوروی داشت که موافق رویه‌ای بلشویکی در آلمان بود.

در سال ۱۹۲۰ ویت فوگل همراه دوست جدیدش کارل کورج از حزب مستقل دموکراتها جدا شدند و خود را بیشتر به کمونیستها نزدیک کردند تا دموکراتها. علاقه‌ای که در این زمان ویت فوگل نسبت به شرق پیدا کرده بود از بی اعتمادی در باره آینده غرب و علاقه شخصی که نسبت به ادیان شرق و «هر چه که چینی» بود ناشی می‌شد. در دو سال اول جنگ ویت فوگل در دانشگاههای لیپ زیگ، مونیخ و برلین به تحصیل تاریخ فلسفه زیر نظر ویلهلم ونت، فلسفه آلمانی زیر نظر کارل لبرشت، روانشناسی گشتالت زیر نظر ماکس ورتهايمر، جامعه‌شناسی زیر نظر آلفرد ویرکانت و تاریخ اقتصادی زیر نظر ریچارد ارنهبرگ پرداخت.

در تابستان ۱۹۲۵ در یک خانه کوچکی که بعداً به موسه معروف تحقیقات اجتماعی و انتقادی فرانکفورت تبدیل شد، ویت فوگل اولین اثر جامعه‌شناسی خود را در مورد چین به رشته تحریر درآورد. این موسه که امروز بنام مکتب فرانکفورت در علوم اجتماعی معروف

## ۱ - بیوگرافی

کارل ویت فوگل یکی از جامعه‌شناسان جنجالی دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ است که مطالعات خود را در مورد آسیا و نهضت های مارکسیستی انجام داد. وی تا سال ۱۹۳۱ یکی از شخصیتهای برجسته مارکسیسم بود. اما از سال ۱۹۳۱ به بعد مخصوصاً با انتشار کتاب «اقتصاد و جامعه چین» و در سال ۱۹۵۷ با انتشار کتاب «شرق» به زبان انگلیسی، یکی از مخالفین سر سخت مارکسیسم به حساب می‌آید. آثار ویت فوگل از مهمترین افکار و عقاید روشنفکرانه و توسعه سیاسی قرن بیستم است و در سالهای جمهوری «وایمار» در آلمان و تا امروز در جامعه بورژوازی برای ویت فوگل اعتبار و حیثیت شایانی به بار آورده است.

ویت فوگل در شهر ولتر دورف آلمان در سال ۱۸۹۶ متولد شد. همچنان که او به سن بلوغ می‌رسید پایه‌های امپراتوری آلمان هم روبه سستی می‌نهاد. در این زمان جنبش جوانان آلمانی فعالیت میکرد که ویت فوگل به آنها پیوست. در سال ۱۹۱۲ این جنبش در اثر تضادی که بین افراد آن بروز کرده بود به دو جبهه راست و چپ تقسیم شد. ویت فوگل به جناح چپ پیوست و در آغاز جنگ جهانی اول مخالفت خود را با جنگ نشان داد. اما دیری نگذشت که در سال ۱۹۱۷ به ارتش

## ۲ - نظریه جامعه‌شناسی ویت‌فولگ

در سال ۱۹۲۳ و همزمان با انتشار کتاب «تاریخ و آگاهی طبقاتی» گنورک لوکاج، کتاب «شناخت جامعه بورژوازی» ویت‌فولگ منتشر شد. لوکاج که بعداً عضو انستیتو تحقیقات اجتماعی فرانکفورت شد، نقدی بر کتاب ویت‌فولگ نوشت. او معتقد بود که ویت‌فولگ فاقد یک دید واقعی، انتقادی و تاریخی است.

لوکاج و ویت‌فولگ هر کدام واقعیت تاریخ و جامعه را از زوایای مختلفی می‌بینند. چیزی که آنها را به دیدگاه‌های مختلفی وامی‌دارد، برداشتهایی است که هر کدام از مارکسیسم و فلسفه پوزیتیویسم (اثبات‌گر) دارند. حتی در سالهای آخر عمرش (۱۹۷۰)، لوکاج معتقد بود که ویت‌فولگ در تئوری و در عمل خیلی به پوزیتیویسم نزدیک است.

ویت‌فولگ در کتاب «علم یا شناخت جامعه بورژوازی» پوزیتیویسم را فلسفه جامعه بورژوازی می‌داند و معتقد است که مارکسیسم مترقی‌ترین عنصر پوزیتیویسم را گرفته است یعنی که جوهر و اساس تکامل تاریخی فقط بوسیله اصول ماتریالیسم تاریخی قابل شناخت است و این شناخت جدا از واقعیت نیست. البته مارکسیسم پوزیتیویسم نیست. اما ویت‌فولگ معتقد بود که پوزیتیویسم و انتقاد تجربی ناشی از پیشرفت دیالکتیکی بود که با کانت شروع شده بود. توسعه فلسفه تنها بوسیله دیالکتیک پوزیتیویسم میسر است. به عبارت دیگر به اعتقاد ویت‌فولگ مارکسیسم یعنی اجتماعی‌شدن فلسفه.

تحلیل ویت‌فولگ از جامعه بورژوازی به بی‌گیری از ماکس وبر (۱۹۲۰ - ۱۸۶۴) جامعه‌شناس شهیر آلمانی است که شهر را مرکز مطالعات خود مخصوصاً در رابطه با سرمایه داری قرار داد. در کتاب «تاریخ جامعه بورژوازی» در تحلیل از «روحیه سرمایه‌داری» ویت‌فولگ توسعه شهر را در رابطه با شیوه تولید می‌داند. او معتقد است که شیوه تولید است که خصیصه توسعه شهر را تعیین می‌کند. به عبارتی دیگر کل جامعه بورژوازی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. سرانجام ویت‌فولگ از بحث در مورد شهر به بحث در مورد شیوه تولید کشاورزی و جوامع براساس سیستم آبیاری کشیده شد. ویت‌فولگ برای اولین بار بوسیله وبراز جوامع بوروکراتیک براساس سیستم آبیاری مصنوعی در چین و هند آگاه شد. او از وبر آموخت که شهرها در چین و کلا شرق در بیشتر قسمت‌ها بوروکراتیک و سازمانی‌تر مرکز یافته بودند که هیچ‌وقت آن استقلال سیاسی و نظامی که شهرهای اروپائی برخوردار بودند نداشتند.

تر ویت‌فولگ مخصوصاً در کتاب «استبداد شرقی» این است که شکل عمده جوامع ماقبل صنعتی را نشان دهد. او از رژیمهای استبدادی که دیگران هم راجع به آن بحث کرده‌اند، سخن می‌گوید. ویت‌فولگ معتقد بود که این رژیمهای استبدادی ناشی از کارکرد و نتیجه ضروری سیستم‌های وسیع آبیاری و شرایط فرهنگی و اجتماعی است. برای اینکه تاسیسات وسیع آبیاری بتوانند به تولید کشاورزی بپردازند احتیاج مبرمی به تحرک و نیروی کار و سازمان کار است. این فعالیتها تنها بوسیله نیروی تشکیلاتی و اجرایی متمرکز و با قدرت شدید است که می‌تواند صورت گیرد. در واقع بوروکراسی وسیله‌ای ضروری است برای تولید کشاورزی. ویت‌فولگ معتقد بود قدرت دولتهائی که براساس سیستم آبیاری مصنوعی بنا شده، ناشی از سازمان و اجرای عملیات وسیع اقتصادی و عمومی است، نه بخاطر مالکیت خصوصی زمین و یا داشتن ارتش قوی. به اعتقاد ویت‌فولگ این قدرت، اجتناب‌ناپذیر است زیرا که کنترل و نگهداری و فعالیت شبکه‌های آبی در صورت داشتن نیروی قوی و متمرکز حکومت مرکزی

است با همکاری ویت‌فولگ، والتر بنجامین، گنورک لوکاج، تئودور آدرنو، اریک فروم، هربرت مارکوز، ماکس هورکهایمر و عده زیادی دیگر از طلاب علوم اجتماعی تاسیس شد. اما دیری نپایید که با روی کار آمدن نازیسم منحل شد و اعضاء آن مجبور به ترک آلمان و مهاجرت به انگلستان و آمریکا شدند. در میان آنها، آدرنو، مارکوز، فروم و ویت‌فولگ عازم آمریکا شدند و بتدریس در دانشگاه‌های کلمبیا، برکلی، ییل و مدرسه جدید تحقیقات اجتماعی در نیویورک، مشغول شدند.

ویت‌فولگ در تابستان ۱۹۲۵ که کتاب «اقتصاد و جامعه چین» را منتشر کرد نوشت: سال ۱۹۲۵ که اولین مبارزه گسترده مردم چین بر علیه تجاوزات بیگانه و امپریالیسم آغاز شد، نقطه عطفی است در تاریخ آسیای شرقی در واقع این سال برای ویت‌فولگ هم نقطه عطفی به حساب می‌آید. از این سال به بعد است که ویت‌فولگ فعالانه به‌بیداری و آگاهی جوامع شرق همت گماشت. ویت‌فولگ یکی از اعضای فعال انستیتو تحقیقات اجتماعی فرانکفورت بود که کار آکادمیکی را رها کرد و به مبارزه علنی علیه فاشیسم پرداخت. او در این مبارزات در سالهای ۳۳ - ۱۹۳۱ بود و پس از روی کار آمدن هیتلر در ژانویه ۱۹۳۳ چند ماهی در زندان وارد نگاه‌بانی به سربردوس از آزاد شدن جلاء وطن کرد و عازم آمریکا شد. ویت‌فولگ و همکارانش موسسه تحقیقات اجتماعی وابسته به دانشگاه کلمبیا را در نیویورک بنا کردند. این موسسه که امروز دانشگاه مستقلی است بنام مدرسه جدید تحقیقات اجتماعی، در علوم اجتماعی جانی پرارج دارد.

برداشتهای متفاوتی که در مورد مفهوم «نظام تولید آسیائی (۱)» مارکس در بهار سال ۱۹۲۴ در فرانسه شروع شده بود ناشی از کتاب «استبداد شرقی» ویت‌فولگ بود. دامنه این بحث که بنام جدل بزرگ معروف است از مرزهای فرانسه هم گذشت و به‌شوروی (برای بار دوم)، آلمان، ایتالیا، چین، ژاپن، انگلیس و دیگر کشورهایی که مارکسیسم در آنها یک نقش روشنفکرانه و سیاسی داشته است کشیده شد. تلاش چینی‌های جدید آلمان در سالهای اخیر بر این بوده است که ریشه مفهوم «شیوه تولید آسیائی» را در آثار ویت‌فولگ زمان جمهوری وایمار (۱۹۳۳ - ۱۹۱۸) پیدا کنند. اینان معتقدند که آثار ویت‌فولگ دوره جمهوری وایمار قابل خواندن و توجه است. در حالیکه یک گسیختگی بین دوره زندگانی سیاسی و اجتماعی ویت‌فولگ زمان وایمار و ویت‌فولگ در تبعید و با عبارت دیگر ویت‌فولگ «امریکائی» وجود دارد. عده‌ای دیگر عقیده دارند یک توجه دقیق و موشکافانه در مجموع آثار ویت‌فولگ روشنگر این است که هماهنگی و یک پارچگی در تمام دوره زندگی او به چشم می‌خورد عده‌ای دیگر معتقدند که ویت‌فولگ یک نهاد و الگویی در آسیا پیدا کرد که نقطه مقابل آن در غرب «جامعه مدنی» هگل و با کلا «جامعه بورژوازی» است.

هگل همانند ماکیاوول و منتسکیو دو نوع ساخت قدرت اجتماعی در شرق و غرب ملاحظه کرد. او نوشت شرقیان در مقابل آلمانها «جامعه مدنی» بوجود نیاوردند. زیرا که آنها از لحاظ آگاهی و شناخت آزادی در تکامل تاریخی در مرحله پست‌تری بودند. هگل نوشت: «شرق می‌داند و تا امروز می‌داند که فقط یک نفر آزاد است، یونان باستان و روم معتقد بودند که عده‌ای آزادند و ولی آلمانی‌ها می‌دانستند که همه آزادند».

ویت‌فولگ همچون پیش‌گوتان خود معتقد است که اختلاف سیاسی در شرق و غرب مهمترین مسئله است. منتها ویت‌فولگ برخلاف هگل و مارکس اختلاف سیاسی شرق و غرب را در عوامل اجتماعی و اقتصادی ندید بلکه در عوامل جغرافیائی، طبیعی و فرهنگی جستجو کرد.

میسر است. چنانکه می‌گوید: «اقتصاد بر پایه آبیاری مصنوعی پدید آمده است برای بوجود آمدن استبداد بوروکراتیکی». به عبارت دیگر کشاورزی بر پایه تاسیسات مصنوعی آبی منجر به یک نوع خاص از نظام قدرت مطلقه میشود. این نوع قدرت مطلق و همه‌گیر (توتالیترسیم) که بوسیله دولت اجرا میشود از هر نیروی دیگری در جامعه قوی‌تر است. دولت بالاترین قدرت را در دو جامعه در اختیار اوست و هر نوع دگرگونی، استقلال و انحرافات را مانع میشود. بطور خلاصه این نوع نظام توتالیتر دارای خصوصیات زیر است:

۱ - تسلط و کنترل تولید بوسیله دولت، به عبارت دیگر چون دولت همه امکانات را در اختیار خود دارد، هر نوع تولید وسیعی بدون دخالت او انجام نمی‌گیرد.

۲ - یک نوع پیچیده شبکه جاسوسی، نظارت سیاسی، نظارت جمعیتی و یک سیستم برقراری ارتباطات.

۳ - یک ارتش بزرگ، مجهز و تمرکز یافته و فقدان مراکز دیگر قدرت نظامی، به عبارت دیگر غیر مسلح بودن عامه مردم.

۴ - نیروی انسانی اجباری در خدمت دولت برای شبکه و تاسیسات آبیاری و کارروی زمین‌و غیره. مالیات سنگین و اجباری دولت و افزایش مدام آن.

۵ - هر نوع فعالیت اقتصادی با اجازه دولت انجام می‌گیرد. فقدان هر نوع آزادی تجاری و تولید مانوفاکتوری. دولت همچنان کنترل تجارت و تولید را در دست دارد. بازرگانان و مالکان تحت عنایت و خواسته دولت می‌توانند فعالیت کنند. خلاصه اینکه هر نوع تولید شبه سرمایه داری وجود نخواهد داشت.

۶ - دولت شدیداً تمرکز یافته است و قدرت مطلقه خود را از طریق بکار بردن سنت وایدئولوژی تثبیت می‌کند. مذهب زیر سلطه دولت است و هر نوع فعالیت مذهبی باید با اجازه دولت انجام گیرد. خلاصه اینکه هر نوع فعالیت اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی تحت اختیار دولت است.

با توجه به این خصوصیات است که ویت فوگل نظام ایسن جوامع را «استبداد شرقی» می‌نامد. برای ویت فوگل وقتی دولتی تمرکز یافته است و هیچ نوع گروه اجتماعی دیگر برای مقاومت با آن را نداشته باشد، نظامی مطلقه، همه‌گیر و توتالیتر است. ویت فوگل معتقد بود که بوروکراسی و طبقه حاکمه یکی و وابسته به یکدیگر هستند. هر نوع دست‌یابی به امور اجرایی منحصر به در اختیار داشتن بوروکراسی است. در چنین جامعه‌ای کنترل وقوه اجرایی دولت یعنی انحصار واقعی قدرت اجتماعی (قدرت سیاسی، اقتصادی وایدئولوژیکی بوسیله دولت و بادر دست داشتن بوروکراسی انجام می‌گیرد).

ویت فوگل نظریه خود را در مورد تمام شیوه‌های تولیدی قبل از سرمایه داری تعمیم می‌دهد. برای او «استبداد شرقی» یک نوع نظام اجتماعی است با دامنه و نفوذی گسترده و بیشترین نفوذ را تا قبل از سرمایه داری جدید دارا بوده است. حتی معتقد است که «استبداد» از جوامع آبی به جوامع غیر آبی سرایت کرده است. کشورهای که از نظر ویت فوگل جزو جوامع آبی به حساب می‌آیند عبارتند از: مصر، هندوستان، بین‌النهرین، امپراتوری رم غربی، امپراتوری رم شرقی (بیزانس)، نظامات غرب، امپراتوری عثمانی، قسمت مسلمان اسپانیا، هند، چین، ژاپن، امریکای مرکزی و جنوبی قبل از فتح، سرخپوستان یوآبلو، جاگوا و بالاخره هاوایی عهد قدیم (۲)

### ۳ - انتقاد از نظریه ویت فوگل

افراد زیادی نظریه ویت فوگل را قابل قبول نپندارند و

معتقدند که این نوع نظام اجتماعی فقط در صفحات کتاب «استبداد شرقی» وجود دارد. این نظریه بیشتر جنبه ایدئولوژیکی، ذهنی و غیر واقعی دارد، تا اینکه کشور و یا کشورهای با این نظام وجود داشته باشند و «شرق» خوانده شوند.

بری هندس ویل هیرت در کتاب «شیوه‌های تولید ماقبل سرمایه داری» معتقدند که نظریه استبدادی و توتالیترسیم بیشتر جنبه سفسطه، جسدلی و غیر علمی دارد. این شیوه در غرب معمول است که استبداد را به «شرق» نسبت دهند. این اصطلاح به وضوح در کارهای متسکیو و دیگران مشاهده میشود.

ادموند لیچ با تحقیقی که در مورد آبیاری و نقاط خشک سیلان کرده معتقد است با اینکه هنوز تاسیسات آبیاری وجود دارند و مهم هستند، اما نمی‌توان گفت که در گذشته دولت سینه‌ها لا یک دولت استبدادی و براساس آبیاری بوده است. اکثر توده‌هایی که به عقیده ویت فوگل در بوروکراسی بودند و به حکومت خدمت می‌کردند، بودایی بودند و خدمت گذار کاهنان بودایی بودند و نه دولت حاکم.

ویت فوگل ادعا می‌کند که دنباله مارکس را در مورد «شیوه تولید آسیائی» گرفته است در حالیکه چنین نیست و نه تنها دنباله او را نگرفته است بلکه از راه او هم منحرف شده است. برای مارکس اساس تمایز شیوه تولید آسیائی با فنودالیسم و با نظامهای دیگر در فقدان مالکیت خصوصی است. تولید کشاورزی براساس کمون (اشتراکی) و همگانی صورت می‌گیرد. مارکس از روابط اجتماعی در شیوه تولید سخن می‌گوید. در حالیکه ویت فوگل از تکنیک بخصوصی که براساس شبکه آبیاری است، صحبت میکند. مارکس تأکیدش بر روی شیوه و مناسبات تولید است و از شکافی که بین دولت و کمون است سخن می‌گوید که مختص آسیا هم نیست... در حالی که ویت فوگل تأکیدش بر روی شبکه آبیاری و بوروکراسی است. او بوروکراسی را با مفهوم طبقه حاکمه در جوامع آبی یکی می‌داند. بنظر او نظامهای جدید که فاقد مالکیت خصوصی هستند (مثلاً شوروی) از جهات بسیاری نزدیک به نظام «استبداد شرقی» می‌باشند.

منتقدین ویت فوگل عقیده دارند که او بخاطر تجربیات دوره استالین و تمایلات شخصی خود خواسته است ثابت کند که:

۱ - جامعه طبقاتی و نظام استبداد شرقی براساس مالکیت جمعی بوجود آمده است.

۲ - سوسیالیسم بر روی مالکیت جمعی و کارهای عمومی برپا میشود.

۳ - پس سوسیالیسم یکی از اشکال استبداد شرقی است و مأموران دولتی و حزبی طبقه تازه استثمارگران را تشکیل می‌دهند. (۴) بطور کلی ویت فوگل در اهمیت نقش آبیاری مصنوعی و اداره شبکه‌های وسیع آن بیش از حد تأکید ورزیده است. او عوامل مهم اجتماعی و اقتصادی را تا حد یک مسئله جغرافیائی و طبیعی تنزل می‌دهد و در حقیقت می‌خواهد چنین نتیجه‌گیری کند که: «چون منطقه جغرافیائی و عوارض آن ثابت و یا تقریباً ثابت است پس نظام آسیائی تولید نیز جاودانی است و کشورهای آسیائی به ثابت ماندن در یک چنین ساخت اقتصادی و اجتماعی محکومند و بالاخره انقلاب در شرق امری غیر ممکن است» (۴) بدینوسیله ویت فوگل توجیهی ظاهراً علمی و رنگ آمیز از عوامل اجتماعی و اقتصادی شرق بیان می‌کند. بدین معنی می‌خواهد بگوید تغییر و تحول در شرق امری دشوار است و شرقیان به آسانی جوامع غرب نمی‌توانند پایه و اساس «استبداد» را براندازند و به دموکراسی نایل آیند (۵). بر خلاف نظریه ویت فوگل امروز شناخت صحیح و علمی جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که اوضاع و احوال

## جامعه‌شناسی ویت فوگل (بقیه)

قلیمی و سرزمینی در پدید آوردن نهادهای اجتماعی و اقتصادی تأثیر بزرگی ندارد بلکه عوامل اجتماعی و اقتصادی بوده‌ست که حتی عوامل جغرافیایی و طبیعی راهم تحت تأثیر خود قرار داده‌ست.

### حواشی :

۱ - برخی از علمای اقتصاد کلاسیک تمایزی بین جوامع فئودالی غرب و جوامع شرق می‌دیدند. از این عده آدام اسمیت، ریچارد جوتر، جیمز میل و استوارت میل از «نظام آسیائی» مالکیت ارضی و یا استبداد شرقی سخن می‌گویند. آنها به تاسیسات عظیم آداری برای بهره‌برداری از آب رودخانه‌ها و بطور کلی سیستم مصنوعی آبیاری در چین، هند و مصر قدیم اشاره می‌کنند. آدام اسمیت بخاطر این خصوصیات، نظام اجتماعی و اقتصادی این جوامع را متمایز از نظام فئودالی غرب می‌دانست. مارکس با مطالعه آثار این دانشمندان در یادداشت‌های مقدماتی کتاب «سرمایه»، نقد اقتصاد سیاسی و چند مقاله‌ئی که دربارہ چین و هند در روزنامه نیویورک تریبون در سال ۱۸۵۳ نوشت، اصطلاح شیوه تولید آسیائی را بکار برد. برای مارکس جوهر اصلی «شیوه تولید آسیائی» در فقدان مالکیت خصوصی و زمین است. بخاطر وجود ارضی خشک و کم‌آب، ایجاد شبکه‌های عظیم آبیاری و آذوقه امور آنها بدست دولت انجام می‌گیرد. در واقع عامل اجرای عملیات عظیم اقتصادی و عمومی دولت است، که حاکمیت سیاسی خود را به شکل «استبداد شرقی» اعمال می‌کند. البته مارکس این نوع شیوه تولید را مختص آسیا نمی‌دانست، بلکه آنرا بعنوان تصویری از یک دوره خاص تاریخی مورد توجه قرار میداد. چنانکه از این نوع شیوه تولید در جاهای دیگر مثل مکزیک و پروم سخن می‌گوید. مارکس سعی کرد که تمایز این نوع تولید را با انواع دیگر نظامها مثل برده‌داری، فئودالی و غیره نشان دهد. این تلاش به خاطر نشان دادن ویژگیهای تاریخی و اقتصادی و اجتماعی جوامع است. غیر از فقدان مالکیت خصوصی، مارکس به روابط شهر و روستا در نظام تولید آسیائی که اختلاف اساسی با جوامع غربی داشت نیز اشاره کرد (احمد اشرف، مجله جهان نو سال ۲۲، ۱۳۴۷).

۲ - در کتاب تاریخ اجتماعی ایران جلد سوم نوشته محقق دانشمند مرتضی راوندی راجع به آبیاری و تولید کشاورزی آن به احتضار عقائدی میخوانیم از جمله اینکه: در ایران بخصوص در دوران بعد از اسلام نه تنها اقتصاد فئودالی حاکم بوده است بلکه در موردی دخالت دولت در امر آبیاری سدبندی، حفر قنات و ایجاد شبکه جهت توزیع و تنظیم آب مشاهده شده است. حکومت‌های طاهریان سامانیان آل بویه و مخصوصاً عضدالدوله دیلمی، دوره ایلخاتان و صفویه قندهاری در مورد امر آبیاری انجام داده‌اند. راوندی معتقد است که: «در ایران با تمدنی تسامح، وجود وجه تولید آسیائی راه‌طور نسبی و محدود میتوان پذیرفت، ولی هرگز نمی‌توان قبول کرد که کلیه سلسله‌ها و حکومت‌هایی که در ایران قبل و بعد از اسلام روی کار آمده‌اند، بنا بصیرت و دوراندیشی طبق نقشه معینی، برای مبارزه با قحطی و به منظور تامین منافع و مصالح کشاورزان و اکثریت مردم، در مناطق خشک و کم‌آب، به کار دشوار سدبندی و حفر قنات و ایجاد شبکه جهت توزیع و تنظیم آب دست زده‌اند». تاریخ اجتماعی ایران جلد سوم، چاپ دوم ص ۲۴۱

- ۳ - «جامعه و قدرت» نوشته باقر مومنی و صادق انصاری، در کتاب «تاریخ پویا» گرد آورنده بهروز انام انتشارات شهابک، ۲۵۳۶ ص ۱۰۷ - ۱۰۶
- ۴ - همان مقاله، ص ۱۰۶
- ۵ - امان‌روداسی، علل کندی و ناپیوستگی تکامل جامعه فئودالی ایران، انتشارات چاپار چاپ دوم، ۲۵۳۶ ص ۳۳ - ۳۱



## کتابنامه

### به انگلیسی

1. Martin Jan, The Dialectical imagination: A History of Frankfurt School and Institute of Social Research, Little and Brown, Boston 1973
2. G.L. ulman, "Wittfogel's Science of Society," Telos, no. 24, summer 1975, pp. 80-114
3. Max Weber, Economy and Society, Vol. 2
4. Karl Wittfogel, Oriental Despotism, Yale University press, 1957.
5. Barry Hindess and Paul Hirst, Pre-Capitalist Modes of production, Routledge & Kegan paul, London & Boston, 1975.
6. Ervand Abrahamian, "European Feudalism and Middle Eastern Despotism", Science & Society, Jan. 1975. P. 123

### به فارسی

- ۱ - احمد اشرف، «نظام فئودالی یا آسیائی» مجله جهان نو سال ۲۲، ۱۳۴۷
- ۲ - ی. ورگا، «وجه تولید آسیائی»، مجله نو سال ۲۴ و شهریور ۱۳۴۷
- ۳ - مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران جلد سوم چاپ دوم، سال ۲۵۳۶، انتشارات امیرکبیر.
- ۴ - بهروز انام، گردآورنده، تاریخ پویا، انتشارات شهابک، سال ۲۵۳۶.
- ۵ - امان‌روداسی، علل کندی و ناپیوستگی تکامل جامعه فئودالی ایران، انتشارات چاپار چاپ دوم سال ۲۵۳۵.
- ۶ - محمدرضا فتاهی، واپسین جنبش قرون وسطایی در دوران فئوال، انتشارات جاویدان سال ۲۵۳۶.